

روزنامه ای که در اندک مدتی نایاب می شد

۱۴ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۰۱

محبوبیت روزنامه نسیم شمال در رشت به حدی بود که ابراهیم فخرایی در این باب نوشته است: «از روزنامه‌های پرتیراژ بود. به مجرد خروج از مطبعه دست به دست می‌گشت و در اندک زمانی نایاب می‌شد.

روزنامه نسیم شمال، پس از به بار نشستن جنبش مشروطه و یک سال بعد از امضای فرمان مشروطیت، در ۱۹ شهریور ۱۲۸۶ منتشر شد. روزنامه‌ای که روزنامه نبود و در سرلوحه آن چنین نوشته می‌شد: «این روزنامه عجالتاً هر قدر ممکن شد به طبع می‌رسد.»

نسیم شمال که یکی از معتبرترین و مشهورترین نشریات عصر مشروطه است، ابتدا بیش از ۴ سال در رشت منتشر شد و پس از ۳ سال وقفه بار دیگر از دی ماه ۱۲۹۳ در تهران به دست مردم رسید.

این روزنامه که بعدها بسیار نام‌آور شد، در دو شماره اول بسیار جدی و رسمی بود، اما پس از آن شعرهای «اشرف‌الدین گیلانی» با زبانی ساده و عوامانه به نقد جامعه، حکومت و فرهنگ مردم وارد شد و کم‌کم جای خود را در میان مردم باز کرد. نسیم شمال، دلسوز بینوایان و محرومان، طرفدار نوگرایی، ستایش‌گر اسلام و تشیع، ایران‌دوست و هوادار سرسخت مشروطه بود.



تیراژ اطلاعات: ۱۵۰۰؛ نسیم شمال: ۴۰۰۰

محبوبیت روزنامه نسیم شمال در رشت به حدی بود که ابراهیم فخرایی در این باب نوشته است: «از روزنامه‌های پرتیراژ بود. به مجرد خروج از مطبعه دست به دست می‌گشت و در اندک زمانی نایاب می‌شد.»

«یحیی ریحان» مدیر روزنامه «گل زرد» هم در سال ۱۲۹۶ نوشته است که: «تک‌فروشی جریده نسیم شمال در تهران از ۳ هزار متجاوز می‌نمود؛ در صورتی که تک‌فروشی سایر روزنامجات از ۲۰۰ و ۳۰۰ تجاوز نمی‌نمود.» «[ابوالقاسم حالت](#)» از مشهورترین طنزسرایان ایران هم به آمار چهار هزار نسخه‌ای فروش نسیم شمال اشاره کرده است. این در حالی است که بیشترین تیراژ روزنامه‌های «ایران» و «اطلاعات» در آن روزها، ۱۵۰۰ نسخه بوده است.

سید اشرف‌الدین گیلانی خود به تنهایی همه کارهای روزنامه را انجام می‌داد و آن را به دست چاپ می‌سپرد. او که قریحه‌ای

کم‌نظیر در سرودن شعر داشت، نزدیک به ۲۰ هزار بیت شعر فکاهه و طنز و همچنین اشعاری تربیتی، اجتماعی و انتقادی خلق کرد و بسیاری از این آثار علاوه بر انتشار در روزنامه، در دو کتاب «باغ بهشت» و همچنین «نسیم شمال» انتشار یافته است.

بسیاری از اشعار منتشر شده در نسیم شمال اقتباسی بودند. روزنامه «ملانصرالدین» در تفلیس گرجستان به زبان ترکی منتشر می‌شد و اشرف‌الدین گیلانی بسیاری از اشعار میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر را از آن روزنامه ترجمه می‌کرد و به زبانی ساده، عامیانه و مردم‌پسند چاپ می‌کرد. او البته هیچگاه به اقتباسی بودن اشعار خود اشاره نکرد.

هر روز ولوله‌ای برپا می‌کرد

«حسین نعیمی ذاکر» ملقب به «حسین مجرد» که خود از فکاهی‌نویسان مشهور زمانه مشروطه و سردبیر روزنامه شهر فرنگ بود و دوستی صمیمانه‌ای با اشرف‌الدین گیلانی داشت، می‌گوید: «روزنامه او هر روز ولوله‌ای در شهر به راه می‌انداخت. سیدی بود یک لا‌قبا. نه بیم داشت و نه احتیاج. دولت‌ها از دست او به ستوه آمده بودند. سرانجام او را به عنوان دیوانه به دارالمجانین فرستادند و به زنجیر بستند. بیچاره هر قدر نامه نوشت و لابه کرد، گوش شنوا نیافت و سرانجام معلوم نشد چرا او را سر به نیست کردند.»

«سعید نفیسی» هم در این باره نوشته است: «او را به تیمارستان شهر نو که در آن زمان دارالمجانین می‌گفتند بردند. در قسمت عقب تیمارستان جایی به او اختصاص دادند. من نفهمیدم چه نشانه جنونی در این مرد بزرگ بود. همان بود که همیشه بود. مقصود از این کار چه بود؟ این یکی از بزرگترین معماهای حوادث این دوران زندگی ماست.»

نوشته سعید نفیسی؛ از واقعیت تا افسانه

نفیسی همچنین درباره سید اشرف‌الدین گیلانی که مردم او را با نام «نسیم شمال» می‌شناختند گفته است: او از میان مردم بیرون آمد، با مردم زیست و در میان مردم فرو رفت. او نه وزیر شد، نه وکیل شد، نه رییس اداره شد، نه پولی به هم زد، نه خانه ساخت، نه ملک خرید، نه مال کسی را با خود برد، نه خون کسی را به گردن گرفت. شاید روز ولادت او را هم کسی جشن نگرفت و من خود شاهد بودم که در مرگ او ختم هم نگذاشتند. ساده‌تر و بی‌ادعتر و کم‌آزارتر و صاحب‌دل‌تر و پاکدامن‌تر از او من کسی ندیده‌ام.

بعدها برخی از پژوهشگران، متن منتشر شده از سوی سعید نفیسی درباره نسیم شمال را «نوشتاری شاعرانه و با احساس و غیرتحقیقی» خواندند. خبر درگذشت نسیم شمال، در اولین شماره بعد از فوت، در روزنامه نسیم شمال منتشر شد. روزنامه‌ای که در دوره دوم خود با همکاری محسن حریرچیان ساعی منتشر می‌شد. روزنامه اطلاعات هم پس از تعطیلات نوروزی در میان کادر سیاه و با عنوان «فوت مدیر نسیم شمال» چنین نوشت: «آقا سید اشرف‌الدین حسینی مدیر نامه کهنسال نسیم شمال یک روز پیش از حلول سال نو در اثر سکته‌ای که به ایشان عارض گردید، بدرود زندگانی گفته و دوستان خود را متالم نمودند. ما به نوبه

خود از فوت ایشان اظهار تاسف نموده از خداوند خواهانیم روح او را غریق رحمت خود فرماید.»

در بخشی از نوشته سعید نفیسی که البته خالی از تملق هم نیست، آمده است: «شعار او از هر ماده فراری، از هر عطر دلاویزی، از هر نسیم جان‌پروری، از هر عشق سوزانی در دل مردم زودتر راه باز می‌کرد. سحری در سخن او بود که من در سخن هیچکس ندیده‌ام.» این گفته‌ها حتی اگر نادرست باشد، نشانگر محبوبیت کم‌نظیر اشرف‌الدین گیلانی است. مردی که «نزدیک ۷۰ سال در میان مردم زیست، با مردم خندید، با مردم گریست، دل‌داری داد، همت بخشید، در دل‌ها جا گرفت و هرگز از دل‌ها بیرون نخواهد رفت.

هنر نسیم شماله نوگرایی در کنار پایبندی

در زمانه‌ای که مدارس جدید به تازگی در حال سر بر آوردن بودند و مخالفت‌های جدی با آن وجود داشت، نسیم شمال به طرفداری از آن پرداخت و نوشت:

شهر قزوین شده از مدرسه‌ها مثل بهشت

می‌رود مدرسه هر کودک پاکیزه‌سرشت

از همین مدرسه زیبا غلبه کرده به زشت

کودکی با خط خوش بهر من این شعر نوشت:

شهر آباد شده به‌به از این مدرسه‌ها

خلق آزاد شده به‌به از این مدرسه‌ها

او در عین حال اهمی‌ویژه به ترویج احکام اسلام داشت و علاوه بر تشویق دختران به درس خواندن و کسب آگاهی، بر حفظ حجاب و حیا نیز تاکید کرده است:

یک چادری از عفت و ناموس به سر کن

وان‌گاه برو مدرسه تحصیل هنر کن

نسیم شمال پس از حمله وهابیان به شهر مدینه و تخریب آثار اسلامی و همچنین تخریب قبور ائمه بقیع، شعری سرود و با عنوان «همت کنید راجع به مدینه طیبه» در روزنامه‌اش منتشر کرد:

از جفاهای وهابی گشته دل‌ها داغدار

ای مسلمانان برای دفع او همت کنید

این جسارت در مدینه کس ندیده تاکنون

گشت اندر مسجد و محراب جاری جوی خون

روزنامه نسیم شمال پس از مرگ اشرف‌الدین گیلانی هم منتشر شد، اما بر خلاف رویه او، به چاپلوسی رضاشاه پرداخت و به روش و منش اشرف‌الدین پایبند نبود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۶۷۴/می-نایاب-مدتی-اندک-روزنامه/>